

ادامه از صفحه اول

سیل و حلقه گم‌شده مدیریت

علاوه بر اشتباهات فوق، صدها نمونه دیگر از اقدامات نادرست و ناهماهنگی که در طرح‌های عمرانی صورت می‌گیرد که عملا موجب بروز خسارت به مردم و بیت‌المال می‌شود. درحالی‌که تکنولوژی و امکانات امروز کشور همراه با تجربیات دیگر کشورها به ما اجازه می‌دهد که نه‌فقط خسارات و ضایعات ناشی از سیل را به کمترین میزان برسانیم؛ بلکه سیلاب را با روش‌های مدرن مهار کرده و از آن برای مصارف مفید کشاورزی، صنعتی، بیابان‌زایی و جنگل‌کاری استفاده کنیم. این کار نیاز به هماهنگی نزدیک سازمان‌های مسئول دارد. در ظاهر امر، این هماهنگی وجود دارد؛ اما بحران سیل و آب‌گرفتگی که رخ می‌دهد، همه دستپاچه می‌شوند و به جای همکاری یکدیگر را متهم می‌کنند. مخالفان داخلی با خارجی دولت وقت نیز از فرصت استفاده می‌کنند و برای نشان‌دادن بی‌توجهی و بی‌ایقانی مسئولان مربوطه، به جاروچنگال می‌پردازند. این پدیده منحصر به ایران نیست، تقریبا همه‌جای جهان به همین صورت است. دولت‌ها هم برای خوانبندان سرورصدها دست به اقدامات اصلاحی می‌زنند؛ اما این اقدامات مانند تب حد کم‌کم رو به آرامش می‌گذارد؛ اما مسئله سیل حل نمی‌شود تا باز روز از نو و روزی از نو.

سیل‌های ویران‌کننده در ایران که‌گاهی هر چند دهه و گاهی در دوره کوتاه‌تر پدید می‌آید. باید توجه داشت که درحال‌حاضر به دلیل افزایش دمای کره زمین ریزش باران و جاری‌شدن سیل در دوره‌های کوتاه‌تری در مقایسه با گذشته روی خواهد داد که ممکن است با بالادمن سطح آب دریاها و رودخانه‌ها بخش درخورتوجهی از اراضی ساحلی (به‌ویژه در خلیج فارس و دریای خزر برای همیشه به زیر آب برود. بدون این پدیده، ایران خود یک سرزمین سیلابی است. نزدیک به صد میلیون هکتار از پهنه کشور ایران را مناطق کوهستانی و اراضی شیب‌دار تشکیل می‌دهد که نزولات آسمانی در آنها به حرکت درمی‌آید و خاک رانعی را می‌شوید و با خود می‌برد. در این صد میلیون هکتار ۲۲۵ شهر با بیشتر از ۴۰ درصد شهرها و جمعیت کشور و حدود ۹ هزار پارچه آبادی (۱۳ درصد کل آبادی‌های کشور) مستقر هستند و در اطراف آنها بیش از یک میلیون هکتار اراضی کشاورزی و باغ وجود دارد. جمعیت این صد میلیون هکتار را می‌توان بیش از ۴۰ میلیون نفر یا نیمی از جمعیت کشور تخمین زد. البته بهتر است این ارقام با احتیاط تلقی شوند و نمی‌توان با قاطعیت گفت که بقیه مردم ایران از سیل مصون‌اند. ایران یک سرزمین پهناور است و حرکت بباد و باران در این سرزمین همواره یکسان نیست. از سوی دیگر، برنامه‌های آبخیزداری سالانه حداکثر در حدود یک میلیون هکتار انجام می‌شود که اگر این آمار را درست یا نزدیک به درست بدانیم، صد سال طول خواهد کشید که در صد میلیون هکتاری که درحال‌حاضر در معرض سیل و عوارض آن هستند، کارهای کنترلی صورت گیرد. شاید در همین مدت میزان فرسایش خاک و صدمات سیل چندین برابر افزایش یابد؛ زیرا سدها و بندهای احداث‌شده در عمر بسیار کمتر از صد سال بر خواهد شد و ضایعات آب و خاک را تشدید خواهند کرد. بنابراین مسئله مبارزه با سیل در ایران یک موضوع کم‌اهمیت نیست که به یک یا چند مدیریت در وزارتخانه‌های مربوطه (وزارت‌های کشاورزی و راه‌وشهرسازی و سازمان محیط زیست) واگذار شده باشد. سیل در ایران موضوعی پراهمیت‌تر از اینها است. مردم هم حق دارند در بروز سیل -که خانه و کاشانه خود را از دست می‌دهند- داد و بیداد به راه بیندازند. دولت‌ها باید با برخورد نظام‌مند و بلندمدت و تخصیص منابع لازم به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های کنترلی و هدایت‌کننده ازجمله آموزش مردم بپردازند. این بحث مفصل‌تر از این است که در یک مقاله دو سوتنی گنجانده شود.

زال در شاهنامه

چون یور سام از کوه پای بر زمین می‌گذارد، قیایی بر او کرده، با شادمانی به سوی زابلستان می‌برندش. در این هنگام، به منوچهرشاه آگهی می‌رسد که شاه، فرزند خویش را از کوه بازگرفته و نوزدر را به رسولی نزد سام می‌فرستد تا او و فرزند بازفتاهش را به درگاهش آورند و چون نوزدر به کاخ سام می‌رسد، نگاهش بر پهلوان جوانی می‌نشیند که در کنار سام نشسته است و او را به دیده و به دل می‌ستاید. و نوزدر پیام منوچهر می‌گذارد و روزی چند پس از ماندن در زابلستان، سام همراه با فرزند خویش به نزد منوچهر می‌روند و پرده‌دار منوچهر شستایان می‌آید و از ورود یور سام سخن می‌گوید. منوچهر از مشاهده آن خوینچهر سروبالا که گوئی آرام جان است، در شگفت می‌ماند و به سام می‌گوید که این فرزند به راستی ستودنی و دوست‌داشتنی است و جز او سزادوار نیست که از کس دیگری بدشتر باشد. آنگاه منوچهر فرمان می‌دهد که ستاره‌شناسان و اخترگویان آینده یور سام را پیش‌بینی کنند و آنان شاه را نوید می‌دهند که شهربار ایران، شان‌زدندی کند که او گردی دلاور و سپهبدی هشیار برای سپاه ایران خواهد شد و شاه، یور سام را خلعت داده، منوژی را صادر می‌کند و همه کابل و زابل و مای و هند را دریای چین تا دریای سند و از زابلستان تا بست را به یور سام وامی‌نهد.

وزان پس منوچهر عهدی نوشت/ سراسر ستایش به سان بهشت/ همه کابل و زابل و مای و هند/ ز دریای چین تا به دریای سند/ را زابلستان تا بدان روی /بست / به نوی نوشتند عهدی درست.

مهرشاد ایمانی: جبهه اصلاحات روزهای سختی را می‌گذراند و شرایط مبهمی را در انتخابات مجلس پیش‌روی خود می‌بیند. از یک سو نیروهای شاخص این جبهه به میدان نایمده‌اند یا نتوانسته‌اند به میدان بیایند و از سوی دیگر همین میزان باقی‌مانده از نامزد‌های جبهه اصلاحات هم در مرحله نظارت هیئت‌های اجرایی توسط دولت رد صلاحیت شدند و این احتمال داده می‌شود که تعدادی دیگر از آنها هم توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شوند. علاوه بر همه اینها سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نیز مانند گذشته نیست و نوع عملکرد دولت و فراکسیون امید در مجلس انتقادهایی را ایجاد کرده که جبهه اصلاحات نمی‌تواند بر عنصر چانه‌زنی حساب باز کند. در چنین فضایی نیروهای اصولگرا خود را از پیش برنده انتخابات می‌دانند و چنین القا می‌کنند که رای منتقدان جبهه اصلاحات به سبب جبهه اصولگرایی ریخته می‌شود و آنها در این حالت برنده قاطع انتخابات می‌شوند؛ برای مثال چندی پیش غلامعلی حدادعادل گفته بود اصولگرایان تلاش می‌کنند آرای خاکستری را هم جذب کنند. در بیان این گزاره به این موضوع توجه نمی‌شود که پایگاه رای اصلاح‌طلبی و آرای خاکستری با مطالبات خاص خود در سال‌های ۹۴، ۹۶ و ۹۶ به حسن روحانی و نمایندگان اصلاح طلب مجلس رای داده‌اند و بی‌تردید خواسته‌های آنها با هیچ پیوستی به گفتمان اصولگرایی نمی‌چسبد؛ برای مثال اگر رای‌دهندگان به جبهه اصلاحات، خواستار ورود زنان به ورزشگاه بودند یا می‌گفتند حصر باید رفع شود و در پی محقق‌نشدن چنین خواسته‌هایی از روحانی و نمایندگان اصلاح‌طلب کلایه دارند، به جبهه اصولگرایی که اساسا مخالف رفتن زنان به ورزشگاه هستند یا حصر امری درست می‌دانند، رای نمی‌دهند و اگر سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان از جبهه خود ناامید شوند، به سمت دوری از انتخابات و نه انتخاب اصولگرایان کشیده می‌شوند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد اصولگرایان برد خود را در ضعف اصلاح‌طلبان می‌دانند، زیرا خود نیز به‌نوعی اذعان می‌کنند که در شرایطی که سرمایه اجتماعی اصلاحات از نیروهای سیاسی اصلاح طلب ناامید می‌شود، اصولگرایان پیروز میدان می‌شوند و این نشان می‌دهد رای ثابت و اصیل جبهه اصولگرایی در حالت عادی سیاسی یاری پیروزی بر جبهه اصلاحات را ندارد و شاید در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان به دلایلی از جمله نداشتن نامزد‌های شاخص و ردصلاحیت نامزد‌های باقی‌مانده‌شان نتوانند به پیروزی برسند؛ اما اصولگرایان هم در عرصه‌ای خالی از رقابت و با رای‌های ثابت خود پیروز میدان می‌شوند؛ حالتی که چندان افتخاربرانگیز نیست.

اصولگرایان و خیال اخ‌ذاری از سید‌رای اصلاح‌طلبان

روز گذشته غلامحسین کرباسچی هم بر این گزاره تاکید کرد که رای اصلاح‌طلبان به سبب اصولگرایان ریخته نخواهد شد. او در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی «خبرآنلاین» گفت: «اگر مردم از اصلاح‌طلبان زده شده باشند، از همه زده شده‌اند. بغید می‌دانم که مردم از اصلاح‌طلبان زده شده باشند و سراغ اصولگرایان بروند. کل یک ناامیدی در جامعه نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی و… هست. هم اصلاح‌طلبان و هم دولت مشکلاتی دارند. اینها روشن است، اما اینکه در انتخابات تا چه حد می‌توانند تاثیر داشته باشد، نمی‌توانم خیلی با قاطعیت صحبت کنم، چون معمول وجیده گرمی:»
«امروز قوه قضائیه ویرانه‌ای بیش نیست»؛
ایین جمله‌ای بود که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی هنگام دردست‌گرفتن سکان قوه قضائیه در مرداد ۱۳۷۸ بر زبان آورد؛ جمله‌ای که برای تشریح هرچه از دستگاه قضا برای شاهرودی به ارث رسیده بود، کفایت می‌کرد. ۲۰ سال از آن روز و آن جمله گذشته است و کمتر کسی است که نداند او چه خدمات ارزنده‌ای برای بازسازی قوه قضائیه انجام داد و با نامی یک نیکو دستگاه عدلیه آن ترک کرد.

تکرار ادعای سعید مرتضوی از زبان معاون شاهرودی

هرچند معاونت اداری و مالی قوه قضائیه در دوران ریاست مرحوم هاشمی‌شاهرودی، تفسیری متفاوت از آنچه در اذهان عمومی و متخصصان حقوقی از این جمله نقش بسته، بیان کرده است، روایتی از جنس همانی که سعید مرتضوی آن را بر زبان می‌آورد. احمد زیدآبادی در توضیح روایت سعید مرتضوی از ویرانه مدنظر مرحوم شاهرودی، در کانال تلگرامی خود نوشته است: «در جریان دادگاه، وقتی که سعید مرتضوی با استناد به برخی انتقادات من از قوه قضائیه، آنها را مصداق تبلیغ علیه نظام دانست، در دفاع از خود به سخن آخانی شاهرودی اشاره کردم و قتمم اگر نقدهای من علیه دستگاه قضائی تبلیغ علیه نظام است، پس سخن رئیس قوه قضائیه در مورد اینکه خرابه‌ای را به ارث برده است، مصداق چیست؟ مرتضوی از این پاسخ برآشفّت و گفت: منظور حضرت آیت‌الله شاهرودی ساختمان‌های قوه قضائیه بوده است». البته در این حقیقت که در دوران ریاست یزدی ساختمان‌های قوه قضائیه رها شده بودند، شکی وجود ندارد؛ اما مسئله مهم این بود که اصل دادرسی نیز زیر سؤال رفته بود؛ اگر نگوییم تحقق عدالت امری دست‌نیافتنی بود، حداقل رسیدن به حس عدالت از دسترس دور شده بود.

منظور شاهرودی ساختمان ویران قوه قضائیه بود
حال در سالمرگ مرحوم شاهرودی، حجت‌الاسلام عباسعلی عزلاذه در گفت‌وگویی با تسنیم، در تشریح هدف آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در بیان خرابه‌بودن قوه قضائیه گفته است: «وقتی ما اینجا آمدیم، همین دادگستری تهران، در راهروهایش با نثویان اتاق درست شده بود یا در بعضی از دادگستری‌ها کانتینر گذاشته بودند. آقای شاهرودی که آمدند، کار عمده‌ای که ما کردیم، بازسازی این ساختمان‌ها بود و همه نثویان‌ها را جمع کردیم و اگر در جایی آقای شاهرودی گفته بودند «ما مخروبه تحویل گرفتیم»، از نظر ساختمانی گفته بودند و منظورشان ساختار قوه قضائیه نبود. آقای شاهرودی از نظر اینکه دادسرا حذف شده بود، از آقای یزدی انتقاد داشتند؛ اما منظور ایشان مخروبه‌بودن ساختمان‌های قوه قضائیه است.»

سیاست

نیروهای اصولگرا برای پیروزی به سبب رأی اصلاح‌طلبان چشم دوخته‌اند

خیال‌پردازی اصولگرایان

در ایران این است که وقتی فضای انتخابات در کشور داغ می‌شود، تصمیم

می‌گیرند. در همه حوزه‌های انتخابیه فضا به آن معنا سیاسی نیست و بیشتر حالت کاربردی و قومیتی دارد. در هر صورت مردم بر مبنای شرایط خاص حوزه‌ها رای می‌دهند و خیلی بحث سیاسی نیست، بستگی دارد که کاندیدایا چه کسانی و با چه عملکردی باشند. عموما این‌گونه است که هر کاندیدایی عملکردش نقد شود؛ شرکت در انتخابات خیلی مرتبط به مسائل سیاسی نیست، اما در حوزه‌هایی که مسائل سیاسی ذخیل هستند، ناامیدی و کرتخی جامعه با آن درگیر است و متأسفانه عوامل اقتصادی، فشارهای سیاسی خارجی و داخلی، عملکرد مجلس و… سست به دست هم داده‌اند. این عوامل هست، اما اینکه چقدر اثر دارند، واقعیتش باید یک مقدار صبر کرد و در زمان انتخابات نظرسنجی‌ها را بررسی کرد. من شنیده‌ام که نظرسنجی‌ها خیلی فضای مثبتی را نشان نمی‌دهند، اما هرچه به انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، شرایط روشن‌تر می‌شود. بالاخره عملکرد وزارت کشور و شورای نگهبان هم خیلی مهم است.»

او درباره این ادعای اصولگرایان که اگر روی کار بیایند، نجات‌بخش هستند، گفت نه‌تنها آنها نجات‌بخش نخواهند بود، بلکه کشور را به گرداب می‌اندازند: «خیلی از مشکلات اقتصادی مرهون عملکرد دوره‌ای است که خیلی از اصولگرایان سر کار بودند، این وضعیت را ایجاد کردند و دولت آقای روحانی هم در این مدت نتوانسته است کشور را از گرداب اقتصادی که در دوره تسلط کامل اصولگرایان بود نجات دهد، حال آنها خودشان آمده‌اند و می‌گویند می‌خواهیم کشور را نجات دهیم. شاید چون خودشان کشور را در این گرداب انداخته‌اند، فکر کرده‌اند که می‌توانند آن را از گرداب دربیاروند. ممکن است کسی هم فکر کند وقتی دفعه پیش ما را به گرداب انداختند، این دفعه به فقر دریا می‌اندازند.»

بحران حل‌نشده انتلاف

البته بخشی از مشکلات اصلاح‌طلبان به مناسبات درونی خود نیز بازمی‌گردد؛ به معنای دیگر اگر نیروهای این جبهه می‌توانستند از چندی پیش سیاست انتخاباتی خود را به مردم عرضه کنند، دست‌کم با انسجام بیشتری در انتخابات شرکت می‌کردند. یکی از آن اختلاف‌ها که هیچ‌گاه تصمیم مهمی برای رفعش گرفته نشد، اختلاف بر سر انتلاف یا عدم انتلاف با نیروهای اعتدالی بود؛ به‌نحوی که برخی از اصلاح‌طلبان تکرار انتلاف را نادرست دانستند و برخی دیگر بر تحقق دوباره آن تاکید کردند؛ برای مثال اخیرا ابراهیم اصغرزاده گفته است: «حاضریم بازیم اما انتلاف نمی‌کنیم، زیرا یک باخت فراموشدانه، بهتر از یک بُرد متحجرانه است… وقتی مجبور می‌شویم از استانداردهایمان عدول کنیم، چتربازان فرصت‌طلبی پیدا می‌شوند که فقط ظاهرشان اصلاح‌طلبانه است. اعتراضات دی‌ماه سال ۹۶ نشان داد که انتلاف جواب نمی‌دهد؛ یعنی ما جامعه را به‌خطر بده‌ستانی که داریم و لای‌هایی که می‌کنیم از دست می‌دهیم… برخی می‌خواهند فشار را بر اصلاح‌طلبان به‌قدری بیشتر کنند که بنشینیم با پایدارچی‌های مهربان‌تر در برابر پایداری جی‌های نامهربان انتلاف کنیم». او با انتقاد از بهزاد نبوی و غلامحسین کرباسچی گفته است: «آقایان بهزاد نبوی و کرباسچی به‌دور اعتقدند ما در انتخابات سال‌های ۹۴ و ۹۴ بازی را به‌خطر انتخاب این استراتژی [انتلاف با اعتدالیون] برده‌ایم.»

مناقشه بر سر حرف آیت‌الله شاهرودی که گفته بود«امروز قوه قضائیه ویرانه‌ای بیش نیست»

مشکل نثویان بود یا حذف دادسراها؟



تصمیمات اشتباه در دوران یزدی

با نگاهی گذرا بر عملکرد هاشمی‌شاهرودی در بازسازی قوه قضائیه می‌توان دریافت که دوران ریاست یزدی بر قوه قضائیه، دوران درخشانی نبوده و همچنان آثار و تبعات تصمیمات غیرتخصصی آن روزها را می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه، پلیس قضائی که تصمیمی مترقی در دوران آیت‌الله بهشتی بود، حتی با قانون‌گذاری در سال ۹۲ هنوز به سیستم قضائی با بازنگشته است و خلأ ظابطین متخصص قضائی در حوزه‌های مختلف مانند کشف جرم و…، یکی از چالش‌ها در پرونده‌های مختلف است. مسئله ضعف مدیریت یزدی فقط به حذف دادسراها که عزیزانه به آن اشاره کرده است، بازمی‌گردد؛ هرچند همان تصمیم صدمات جبران‌ناپذیری بر پیگیره دستگاه قضا وارد کرد.

پیمان حاج‌محمودعطار، حقوق‌دان، در گفت‌وگو با «شرق»، در پاسخ به این پرسش که هاشمی‌شاهرودی در چه شرایطی ۱۰ سال دستگاه قضا را سروسامان داد، توضیح داد: با نگاه بر تغییراتی که با انتصاب حضرت آیت‌الله حاسیدمحمود هاشمی‌شاهرودی به‌عنوان ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نسبت به دوران ماقبلش رخ داد، می‌توان به اختصار به موارد بسیاری اشاره کرد؛ ازجمله احیای سیستم دادرسی کیفری سه‌مرحله‌ای؛ به عبارت ساده‌تر، از زمانی که قانون به صورت مدون در سال ۱۳۱۰ خورشیدی اجرائی شد، رسیدگی به دعاوی جزایی به آیین دادرسی کیفری در ایران سه مرحله داشت. مرحله نخست، دادسرا و تحقیقات مقدماتی بود؛ مرحله دوم، دادگاه بدوی که حکم اولیه در آن بر اساس دلایل و مستندات جمع‌آوری‌شده در مرحله قبلی (مرحله دادسرا) صادر می‌شد و مرحله سوم مرحله تجدیدنظرخواهی بود که در صورت اعتراض یکی از طرفین دعوا، رسیدگی دوباره انجام می‌شد.

در مقابل دیدگاه اصغرزاده، محمدرضا عارف سیاست انتلاف در سال ۹۴ را درست می‌داند: «تشکیل لیست امید بر اساس رویکرد انتلافی و راهبرد سلبی، یعنی انتلاف با حامیان دولت و آن هم انتلاف با حزب اعتدال و توسعه صورت گرفت تا در مجلس دهم افراد تند و افراطی حضور پیدا نکنند.»

و شخصی مثل کرباسچی، هنوز هم نگاهی منفی نسبت به انتلاف ندارد و باور دارد: «طرح این حرف‌ها که زود است و ما باید ببینیم چه کسی تأیید و چه کسی رد می‌شود. این حرف‌ها که ما انتلاف نمی‌کنیم از سوی جمع مؤثر اصلاح‌طلبان مطرح نشده و حالا ممکن است کسی در جایی حرفی زده باشد. عقل جمعی و عملکرد مجموعه اصلاح‌طلبان نشان داده است که بر اساس مصالح، نه شعارهای سیاسی عمل کرده‌اند و در این انتخابات هم اگر احساس کنند که با هر کسی که انتلاف کنند به نفع کشور است و از ورود نیروهای افراطی – که به جز بحث‌های سیاسی و شعارها کارنامه دیگری ندارند- جلوگیری کند، من فکر نمی‌کنم اصلاح‌طلبان از انتلاف و اعتدال که به نفع کشور و خودشان است، دست بردارند.»

بحران مناقشات درونی

از سوی دیگر برخی از اصلاح‌طلبان هم کلایه می‌کنند که انتقادهای درونی میان جبهه اصلاحات کار را به اینجا رساند. محمدرضا عارف از مشخص‌ترین کسانی است که بارها از انتقادهای درونی و به زعم او از تخریب‌ها کلایه کرده است. او در آخرین اظهارنظر خود گفته است: «تخریب و تضعیف فراکسیون امید و اعضای این فراکسیون، آن هم از درون جریان اصلاحات امری بی‌سابقه بوده است که امیدوارم این تخریب‌ها هدفمند و با انگیزه‌های شخصی نبوده باشد… برخی دوستان اصلاح‌طلب به‌جای تعامل و همفکری در جلسات، در فضای مجازی و رسانه‌ها مطالب خود را مطرح می‌کنند که مطمئنا این روش وحدت و یکپارچگی جریان اصلاح‌طلب را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.»

نبود استراتژی انتخاباتی

اصلاح‌طلبان تاکنون به‌هیچ‌وجه نتوانسته‌اند مناسبات خود با انتخابات پیش‌رو را تبیین کنند و درعین‌حال که بسیاری از فعالان سیاسی از سال‌های گذشته بر ضرورت تشکیل پارلمان اصلاحات تاکید می‌کردند یا می‌گفتند که باید راهبردهای سیاسی در انتخابات معلوم شود.، اما در تمام این مدت نیروهای اصلاح‌طلب بر مناقشات فی‌مابین خود افزودند و هیچ‌یک از طیف‌ها برای مصلحت مشترک و بلندمدت قدری از مواضع خود کوتاه نیامد. اصلاح‌طلبان در این دوره از انتخابات نتوانستند آن‌طور که انتظار می‌رفت عرصه سیاست را در اختیار بگیرند یا بگویند که افکار عمومی از قانع‌کننده آن انتلاف لزوماً به معنای پذیرش جزئی‌ترین سیاست‌های دولت نبود. البته برای این اقتاع عمومی لازم بود که از مدت‌ها پیش با انتقادهای کاربردی نشان می‌دادند که دولت و اصلاحات دو دایره منطبق با یکدیگر نیستند که هیچ تمایزی میان آنها وجود نداشته باشند. در پایان باز هم باید گفت که شرایط امروز اصلاح‌طلبان شاید به نفع پیروزی انتخاباتی اصولگرایان شود، اما نه به واسطه افزایش رای اصولگرایان از سبب رای اصلاح‌طلبان، بلکه به دلیل خالی‌بودن عرصه از رقابت است.

به‌صورت قانون ابلاغ شد و کماکان اعتبار دارد.

ایجاد مجازات‌های جایگزین حبس

این وکیل دادگستری در ادامه افزود: یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات شاهرودی در دوران ۱۰ساله ریاستش بر قوه قضائیه، تدوین کتابی به‌عنوان لزوم تعدیل مجازات زندان به مجازات‌های سبک‌تر و صدور مجازات جایگزین حبس بود که در نهایت لایحه مجازات‌های جایگزین حبس توسط او به مجلس ارائه شد و در نیکون کتونی موقتاً تصویب شد.

لغو قرار بازداشت سوم‌ساله ۲۱ساله

عطار در پاسخ به ایین ابهام که «بعید به نظر می‌رسد منظور از ویرانه در جمله مرحوم شاهرودی فقط بخش ساختمانی قوه قضائیه باشد، هرچند در دوران هاشمی‌شاهرودی ساختمان‌های قوه قضائیه هم مورد بازسازی و ترمیم قرار گرفت» توضیح داد: اینجا لازم به توضیح است که یک نمونه از بیانات آقای شاهرودی درباره عملکرد ضعیف این قوه در دوران قبل از تصدی ایشان مصاحبه او با یکی از رسانه‌های گروهی دایر بر بازدید او از یکی از زندان‌هاست. در آن زمان بازدید ایشان با یک زندانی برخورد می‌کنند که به مدت ۲۱ سال در بازداشت قرار موقت بوده و تعیین تکلیف نشده بود. پس از اطلاع از این اقدام غیرقانونی و غیرشرعی در بلا تکلیف‌ماندن متهم به مدت ۲۱ سال، دستور آزادی او توسط ایشان صادر می‌شود.

شاهرودی اقدامات فقهی و شرعی مغفول‌مانده بسیاری را مورد توجه قرار داد

عطار به موضوع دیگری از تصمیمات اشتباه دوران ریاست یزدی اشاره می‌کند و می‌افزاید: حذف پلیس قضائی در سال ۱۳۶۸ یکی از اقدامات بسیار زاینبار برای قوه قضائیه بود. تصمیم درستی که آیت‌الله بهشتی وارد سیستم قضائی ایران کرده بود، یکباره بدون استدلال مناسب حذف شد. در حین ادغام شهربانی، ژاندارمری و کمیتبه با یکدیگر (که این ادغام قابل توجیه بود) به ناکاه، سازمان پلیس قضائی از آن دارای وظایف جداگانه و مستقل از آن سه نیرو بود. بدون توجیه علمی با آنها ادغام شد که این ادغام آسیب‌های بسیاری را در رابطه با اجرای صحیح و درست دستورات قضات دادگستری توسط ظابطان قضائی ایجاد کرد. او در پایان گفت: هاشمی‌شاهرودی در دوران ریاستش در قوه قضائیه اقدامات فقهی و شرعی مغفول‌مانده بسیاری را مورد توجه قرار داد، ازجمله جلوگیری از اجرای علنی اعدام و سنگسار، تلاش برای کاهش آمار اعدام با تشکیل کمیسیون‌ی تحت نظارت ایشان برای جلب رضایت اولیای دم و جبران ضرروزیان، رسیدگی مجدد به پرونده‌های دارای حکم رجم و اعدام که مشخص شد در برخی پرونده‌ها موازین قانونی و فـرعی به‌درستی رعایت نشده است.

روزنه

ادامه سرگردانی لوایح مرتبط با FATF در کمیسیون مشترک مجمع

چرا جلسه مجمع تشخیص مصلحت تشکیل نشد؟



شرق: جلسه تشکیل نشد. دیروز منتشرشدن این خبر، آن هم در روزهایی که نگاه‌های زیادی به مجمع تشخیص مصلحت نظام دوخته شده، سؤالات زیادی را برانگیخت. در فرصت اندک باقی‌مانده برای تصویب دو لایحه مرتبط با FATF نزاع موافقان و مخالفان در رسانه‌ها دوباره آغاز شده است. مجمع اما در ادامه روانی که در یک سال گذشته طی کرده، به نظر می‌رسد واکنشی نسبت به این افزایش حساسیت‌ها نشان نمی‌دهد. مجید انصاری، از موافقان لوایح، حوالی ظهر دیروز از تشکیل‌نشدن جلسه خبر داده است. البته انصاری به «شرق» گفت که جلسه کمیسیون مشترک مجمع دیروز برگزار شد و بحث‌های مفصلی هم در آن درباره دو لایحه پالرمو و CFT درگرفت، اما باز هم تصمیم‌گیری نهایی به جلسه اوایل هفته آینده موکول شده است. در چنین شرایطی برخی از آلودگی هوا به‌عنوان علت این تعطیلی سخن گفتند. احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص، گفت که «اعضای مجمع همگی بالای ۵۰ سال دارند و جلسات مجمع به دلیل نامناسب بودن هوا تعطیل شده است». اما به گفته انصاری، بسیاری از اعضا در جلسه کمیسیون مشترک حضور داشتند. از سوی دیگر غلامرضا مصاحی مقدم، دیگر عضو مجمع می‌گوید که کمی پیش از آغاز جلسه از تعطیلی آن خبردار شده است.

چرا جلسه تشکیل نشد؟

مصباحی مقدم گفته که کمی مانده به ساعت سه؛ یعنی زمان شروع جلسه، پیامکی مبنی‌بر تعطیلی جلسه ارسال شده است. او به «شرق» گفت: «من شنیده بودم که جلسه ممکن است به دلیل آلودگی هوا تعطیل شود. تماس گرفتم. و مطلع شدم که جلسه تشکیل نخواهد شد. البته دلیلی برای این تعطیلی ذکر نشد، اما من در حال حرکت به سمت جلسه بودم که متوجه تعطیلی شدم». انصاری هم در همین زمینه فقط از تعطیلی جلسه خبر داد و درباره علت آن اظهار بی‌اطلاعی کرد. البته نکته اینجاست که حتی در صورت تشکیل جلسه نیز دو لایحه مرتبط با FATF در دستور کار صحن مجمع تشخیص نیست و در کمیسیون مشترک مجمع سرگردان است. از سوی دیگر احمد توکلی هم از تعطیلی جلسه به دلیل آلودگی هوا به «اعتمادآنلاین» خبر داده و گفته‌که پیش از این به دلیل درخواست فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد و مجید انصاری، عضو مجمع، تصمیم‌گیری درباره لوایح مرتبط با FATF به تأخیر افتاده است. درمقابل دیروز انصاری نیز توضیح داده که به دلیل فضای منفی مجمع علیه لوایح و ترس از عدم تصویب آن پیشنهاد تعویق رای‌گیری را داده‌اند. انصاری دراین‌باره گفته: «در آن مقطع بنده و چند دیگر احساس کردیم اگر پالرمو در مجمع رد شود، برای کشور مشکلات جدیدی ایجاد می‌شود. در آستانه سال نو بودیم. می‌رفت که ردکردن پالرمو تأثیر منفی بر بازار ارز، سکه و کالاها بگذارد. شب عبید بود و این تصمیم باعث تحمیل گرانی جدیدی بر مردم می‌شد». انصاری توضیح داد بعد از این پیشنهاد به دلایل مختلف بررسی دو لایحه در مجمع طولانی شد و به حتی از یک سال هم گذشت. درحالی‌که طبق تبصره ۳ ماده ۲۵ آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجمع برای بررسی موضوع مطرح‌شده فقط یک سال وقت دارد. او ادامه داد: «ما موافقان FATF همانان اصرارمان بر این است که لوایح مختلف FATF باید تصویب شود. ما دلایل مخالفان را وارد نمی‌دانیم، معتقدیم با رد این لوایح، هم دوزدن تخریب‌ها سخت‌تر می‌شود و هم نظام بانکی با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شود و ما یک خودتحریمی را بر نظام بانکی کشور تحمیل می‌کنیم».

منازعه‌ادامه دارد

روزهای آخر بهمن‌ماه؛ یعنی پایان مهلت FATF در مجمع است. به نظر می‌رسد تا تصمیم نهایی مجمع، منازعه بین گروه‌های موافق و مخالف پیوستن به FATF ادامه داشته باشد. در آخرین اقدام، ۱۵ نماینده مجلس در نامه‌ای به مقام معظم رهبری از لزوم تصویب دو لایحه پالرمو و CFT در مجمع نوشتند. دیروز سخنگوی فراکسیون امید هم گفته: «مخالفانی که انواع تریبون‌ها را در اختیار دارند آیا حاضرند به ملت ایران تضمین دهند و مسئولیت مخالففشان را بپذیرند؟». قاطمه سعیدی به «ایسنا» گفته: «در شرایطی که بارها دولت و مجلس استدلال خود را شفاف بیان کرده‌اند، مخالفان تنها به بیان کلیات می‌پردازند و هیچ حرف کارشناسی و تخصصی‌ای برای رد این لوایح شنیده نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۳